

ساماندهي وجوهات

**طرح بررسي روش‌هاي توسعه مديريت فرآيند دريافت وجوهات شرعي**



مهر 1392



مندرجات

**🡸 وجوه شرعي، مرجعيّت و سنّت‌ها**

توصيفي از جايگاه وجوهات در سازوكار جامعه شيعي، كاركردهاي مرجعيّت، ارتباط وجوهات با مرجعيّت

و سنّت‌ها و آدابي كه در طي صدها سال شكل‌گرفته است و استقرار يافته

**🡸 گذر از سنّت به مدرنيته**

ضرورت‌هايي كه جامعه شيعي با آن‌ها مواجه شده است براي دست برداشتن از بعضي سنّت‌ها

و تغيير رويه‌ها و فرآيندها جهت برخورد صحيح با تمدن مدرن جهاني در عصر حاضر

**🡸 آسيب‌هاي تغيير نسنجيده رويّه‌ها**

تحليل روندي كه معمولاً در مدرن‌سازي فرآيندها پي گرفته مي‌شوند

و تبيين تمثيلي آسيب‌هايي كه اين تغيير به اصل ساختار مي‌زند

**🡸 مناسب‌ترين كاربرد فن‌آوري**

تشخيص عناصر اصلي ساختار، آن‌چه در سنّت‌ها جنبه كليدي دارد

و حفظ آن در ساختار تحوّل‌يافته به طريقي اكدّ و عدم صرف‌نظر از اين عناصر كليدي تحت نام فناوري

**🡸 شبكه پيشرفته ارتباطي: مقلّد، واسطه، نماينده، مرجع**

بيان ايده پيشنهادي در توسعه موفقيت، سرعت و دقت ارتباط ميان مقلّد و واسطه، يا مقلّد و دفتر نمايندگي

در راستاي تحويل وجوهات شرعيه به دفتر وجوهات مرجع تقليد

وجوه شرعي، مرجعيّت و سنّت‌ها

در تاريخ مرجعيّت شيعه، از ابتداي پيدايش تا كنون، همواره بخش اقتصادي احكام اسلامي گردش مالي كم و بيش گسترده‌اي را فراهم مي‌كرد كه به نيابت از ائمه معصومين(عليهم الصلوة و السلام) بر عهده فقيه جامع‌الشرايط گذاشته شده بود. از وجوهاتي كه پرداخت آن‌ها واجب است، مانند: زكوات و خمس و كفارات و نذورات، گرفته تا پرداخت‌هاي مستحبي، مانند: صدقات و تبرّعات.

اين گردش مالي، مانند ساير رفتارهاي شرعي و برنامه‌هاي ديني، به تدريج و در طول صدها سال سبك و سياق خاصّي براي خود پيدا نموده و شيوه‌هايي را به عنوان مناسب‌ترين، دقيق‌ترين، كارآمدترين و بهترين روش ممكن، برگزيده است. نحوه ارتباط گرفتن پرداخت‌كننده وجه با دريافت‌كننده، نحوه تعاملات طرفين، نقش واسطه‌ها و نمايندگان در انتقال وجوه، همه و همه ساليان سال تست و تجربه شده و روش‌هاي ناقص و ضعيف و ناتوان جاي خود را به بهترين گزينه‌ها داده‌اند.

دقت و خبرويّت مراجع عظام تقليد و آثار باقيه رفتار مالي معصومين(عليهم السلام) نيز نقش بسيار مبرّزي در ارتقاء روش‌هاي انتقال مالي داشته است. حفظ آرمان‌هاي مكتبي و مكرمت‌هاي اخلاقي و تأمين نيازمندي‌هاي مالي جامعه مسلمين به بهترين وجهي كه آبروي افراد در آن حفظ شود و احكام شرعي نيز زير پا گذاشته نشده و حلال و حرام نشود، الزاماتي را پيش‌روي فقها مي‌گذاشته است، تا روش‌هاي مديريت وجوهات شرعي را به بهترين شيوه ممكن تنظيم و تدقيق نمايند.

اين ميراث عظيم، ناشي از صدها سال، بلكه هزار سال تلاش همگرايانه و هم‌جهت علماي اعلام و فقهاي عظام و مراجع كرام است كه امروزه به رايگان در اختيار ماست و نظام مرجعيّت به تبعيّت از اين دستاوردها شيوه تعاملات مالي خود را ترازگون و نظام‌يافته مديريت مي‌نمايد و توانسته با حفظ اين روش‌ها، نظام مالي شيعه را از دستبرد طرّاران، فريب‌كاران و اشرار در لباس دين حفظ كرده و دور نگهدارد. قطعاً هر جا كه بحث از پول باشد، آن هم با اين حجم وسيع، جاي منافقان و رياكاران به سرعت باز خواهد شد و اينان براي متاع چند روزه دنيا، دين خود را نيز مي‌فروشند، چه برسد به تمام دستگاه مرجعيّت.

هر توسعه‌اي در شيوه‌ها و متدهاي مديريت مالي نظام مرجعيّت لاجرم بايد با حفظ اين ميراث عظيم باشد.

گذر از سنّت به مدرنيته

توطئه ثقيفه شرايطي را براي جامعه اسلامي پديد آورد كه علي‌رغم توانمندي‌هاي شگرف مسلمين در علوم و فرهنگ و اخلاق اسلامي كه ناشي از عمق تعاليم وحياني و تلاش‌هاي پيوسته رسول مكرّم اسلام(صل‌الله‌عليه‌و‌آله) و جانشينان به حق ايشان بود، آن را نسبت به تحوّلات سياسي به شدت آسيب‌پذير نمايد.

تبديل خلافت به سلطنت و دست به دست شدن اين نظام سلطنت در شجره خبيثه، بستري از ظلم‌هاي اجتماعي پديد آورد كه خيمه يكپارچه امّت اسلامي را قابل نفوذ نموده، ستون‌هاي آن را شكننده كرد. چنين شد كه پس از چند صباحي عظمت و تعالي فرهنگي، با چراغ سبز دولت عباسي براي حمله مغول به ايرانِ داراي تمايلاتِ ولايي، بخش معظمي از دانش و فرهنگ اسلامي نابود گشت و از دست رفت. حمله‌اي كه در مرزهاي مذهب شيعه متوقف نماند و گريبان بغداد را نيز گرفت و چراغ سبز نشان‌دهندگان را نيز سرنگون ساخت.

نابودي ميراث علمي مسلمانان در خاورميانه، هم‌زمان با رونق علوم اسلامي در بخشي از اروپا، اندلس، زمينه‌اي را فراهم كرد، تا غربي‌هاي غيرمسلمان و حتي ضد اسلام فرصت يابند از دستاوردهاي تمدن اسلامي براي رفاه دنياي خويش و توسعه قلمروهاي سياسي و اقتصادي سود جويند. آن‏چه امروز عصر نوزايي يا رنسانس ناميده مي‌شود، دقيقاً دوره‌اي است كه كتاب‌سوزي و جنگ‌هاي خانمان‌سوز در كشورهاي اسلامي بخش اعظم علم، دانش، مهارت و حتي اساتذه فنون را نابود ساخته و سارقان علمي، كتاب‌هاي اسلامي را به نام خود در بلاد اروپا تجديد چاپ مي‌نمايند، با حذف فراز‌هاي مرتبط با دين و فرهنگ اسلام و سنّت‌هاي اختصاصي مسلمانان. نتيجه اين‌كه جامعه اسلامي با دوران سراشيبي بسيار دشواري مواجه شد و در حضيض تمدني قرار گرفت.

امروز ما با تمدني در دنيا مواجه هستيم كه تحت نام «مدرنيته» يا «پست‌مدرن» و تمام الفاظ اين‌چنيني، قصد دارد فرهنگ مادي خود را در قالب علم و دانشي كه در دوره ضعف مسلمانان تبويب و تدوين نموده و ارتقاء داده، به خورد ملل مستضعف جهان بدهد. مسلمانان نيز آن چنان مقهور عظمت ظاهري تمدن غرب در دنياي معاصر مي‏باشند كه پذيرفته‌اند بايد از «سنّت»ها دست شسته و «مدرن» شوند. البته عملاً زندگي در اين زمان نيز بدون مدرن شدن كارآمدي ندارد و نمي‌تواند پاسخگوي نيازهاي اجتماعي عصر حاضر باشد. جبري كه گزير ندارد.

تمام اين حوادث سياسي، فرهنگي و اقتصادي در اعصار متمادي، فضايي را ايجاد نموده تا جامعه شيعه در چنين مرحله‌اي، از سنّت به سوي مدرنيته حركت نمايد، حركتي كه خواه‌ناخواه صورت پذيرفته و قابل مهار نيست.

آسيب‌هاي تغيير نسنجيده رويّه‌ها

ترديدي نيست كه در مسير تغيير، پاره‌اي سنّت‌ها و رفتارها تغيير مي‌كند، به نسبت‌هايي كه يكسان نيست؛ بعضي تغييرات عمده‌تري داشته و بعضي كه تنسّك و تعصّب بر آن‏ها بيشتر باشد، كم‌تر دستخوش تحوّلات مي‌گردند.

تعصّبات و تنسّكات اگر جاهلانه باشد و پشتوانه علمي نداشته، مانع تحوّلي مي‌شود كه كارآمدي دين را در عصر حاضر بالا مي‌برد. آنان كه بر امور كم‌ارزش پاي‌فشاري مي‌كنند و از احتمال بروز تغيير در آداب و رسومي كه تأثير مهمي در «دينداري» ندارند برمي‌آشوبند و دادِ بي‌دادي سر مي‌دهند، به شدت مانع گذر دقيق و منظّم و هماهنگ از «پل گذار»ند، همان پل كه چاره‌اي جز گذشتن از آن وجود ندارد.

آسيبِ ديگر اما در سوي تفريط است. اگر بر هيچ موضعي از رفتارهاي سنّتي ديني تعصّبي در كار نباشد و بي‌هيچ اصراري اجازه تحوّل در تمامي ساختارهاي فرهنگي جامعه شيعه داده شود، أسّ و اساس جامعه اسلامي به خطر مي‌افتد و ميراث گرانقدر فقها و مراجع كه سبب اصلي بقاي تفكر و عمل شيعي است از دست مي‏رود.

به عنوان مثال، در موضوع وجوهات شرعي، نقش واسطه‌ها غيرقابل اغماض است. اگر با مدرن شدن ابزارهاي انتقال وجوه مالي، دفاتر مراجع نيز به سادگي شماره حسابي اعلام نمايند، يا پرداخت آن‌لايني را ترتيب دهند، طبيعتاً بخشي از واسطه‌گري در امر تجميع وجوهات را از ميان برداشته‌اند. اگر چه ممكن است در بادئ امر اين مطلب مطلوب به نظر رسد، اما با اندكي توجه، عمق آسيبي كه از اين مسير نصيب جامعه شيعي مي‌شود قابل تأمل است.

پاك شدن اموال مسلمين از حقوق شرعي؛ خمس، زكات، فطريه، نذر، كفاره، ردّ مظالم و… يكي از مؤكّدترين نيازمندي‌هاي هر مسلماني است كه قطعاً در خود او و نسل و تيره او تأثير مي‌گذارد. اين امور با توجه به آثار مشهود در زندگي و وجوب اكيدشان بيش از مستحبات مورد رجوع مردم است. حتي انساني كه سال به سال سراغي از مسجد نمي‌گيرد، وقتي بداند با مال مخلوط به حرام حجّ مقبول نيست، يا فسادي كه از لقمه حرام نصيب فرزندان او خواهد شد، تحت فشار قرار مي‏گيرد كه به سراغ واسطه يا نماينده مرجع خود برود. اين ارتباط مقدمه‌اي مي‌شود براي روابط بعدي و مداوم با مبلّغين و روحانيون.

از سوي ديگر، مردم بيش از اعتماد به نمايندگان دور از دسترس مرجع به كساني اعتماد دارند كه هر روز مي‌بينند و پشت سرشان نماز مي‌خوانند. مردم به روحانيوني كه در ميان‌شان زندگي مي‌كنند و در همسايگي خانه‌شان، بيشتر اقبال و اعتماد دارند. اگر اين واسطه‌ها حذف شوند، اقبال مردم براي پرداخت وجوه شرعي نيز كمتر مي‌شود.

اساساً اهتمام طلاب علوم ديني به مسافرت‌هاي تبليغي و هجرت هم در بسياري از موارد از همين مهم نشأت مي‌گيرد. اگر چه يك طلبه در هنگام آغاز سفر تبليغي هيچ نيّتي جز خدمت به اسلام و تلاش براي ترويج اعتقادات اسلامي و معارف اهل بيت (عليهم‌السلام) ندارد، اما آن‏چه او را ياري مي‌نمايد تا بتواند اهل و عيال را راضي نگهدارد تا مانعي قوي و سد راهي براي فعاليت‌هاي او نباشند، وعده تأمين مالي‌ست.

حتي آن‏جا كه امر انتخاب براي طلبه بسيار دشوار مي‏شود تا ميان تبليغ يا تدريس و تحصيل و حتي پژوهش يكي را انتخاب نمايد، وقتي پژوهش و مطالعات، آثار باقيه و مبقيه بيشتري فراهم مي‏كند، از اعتبار و آبرو و شهرت و حتي خدمت عميق‌تر به دين، باقياتي صالحات، نيازمندي‌هاي روزمره زندگي تشخيص امر أهمّ را ساده‌تر مي‌كند؛ تبليغ! همين است كه مقام معظم رهبري(حفظه‌الله) نيز در سفر اخير خود به شهر قم در ارتزاق روحانيت از مردم تأكيد داشتند و اين‏كه رمزي در اين مطلب نهفته است كه مانع جدايي و فاصله ميان روحانيت شيعه از جامعه اسلامي شده.

وقتي مردم به واسطه مراجعه مي‌كنند، براي تأديه ديون شرعي خود، از يك سو مبلغي را طلبه به عنوان كمك‌هزينه از دفتر مرجع دريافت مي‌نمايد، از ديگرسو، اگر شخص معتبري بوده و سواد و تقوايي به هم‌زده باشد، اجازه خرج بخشي از سهم امام (عج) را كه به دست آورده باشد يا توزيع سهم سادات فقير، يا حتي صرف زكات در مصارف مخصوصه، اين نيز خود منفعتي خواهد بود كه هم به اعتبار اجتماعي روحانيت در منطقه تبليغ منجر مي‌شود و هم نفوذ كلام و رفتار مبلّغ را در قلمرو تبليغي او مضاعف مي‌سازد.

همه اين‌ها چون زنجيره‌اي به هم پيوسته، نظامي از رفتارهاي ديني ايجاد مي‌كند كه مبلّغ را در ارتباط تنگاتنگ با مردم قرار مي‌دهد. ارتباطي كه منفعتش براي اسلام بسيار بيشتر است از پولي كه ممكن است به نظر برسد در صورت ارتباط آن‌لاين و مستقيم با پرداخت‌كننده، از جيب واسطه كسر شده و به دست دفتر مي‌رسد!

مقلّديني كه مرجع تقليد را نمي‌بينند جز در رسانه‌ها، دورادور كه نمي‌توانند اعتماد به دست آورند، آن‏چه آنان را به سوي مراجع مي‌كشاند و هم تقليد را براي‌شان مفهوم مي‌كند و هم در انتخاب أعلم دست‌شان را مي‌گيرد همين ارتباط تنگاتنگ با طلاب علوم ديني و مبلّغين عزيز است. از اين منظر، مبلّغ تنها يك واسطه در انتقال وجوه شرعي نيست كه مثلاً ـ به زعم ساده‌لوحانه ـ پورسانتي به وي داده مي‌شود براي تأديه ديون شرعي كه اگر داده نشود «چه بهتري» گفته شود و مطلب تمام گردد. مبلّغ درگاه و پورتال ارتباط جامعه اسلامي با دفاتر مرجع تقليد است. اوست كه مردم را با آخرين دستاوردهاي علمي مرجع در قالب نظريات فقهي و استفتائات شرعي و ديدگاه‌هاي ناب اعتقادي و اخلاقي آشنا مي‌سازد و آگاهي‌هاي مورد نياز را به جامعه اشراب مي‌نمايد.

به نظر مي‌رسد واسطه‌گري در امر پرداخت وجوهات شرعي بخشي از سامانه پيچيده و در عين حال قدرتمند مديريت جامعه شيعي است كه از سالياني دور و دراز نظم و نسق يافته و ترويج گشته است. آسيب‌زدن به اين اصل مهم و تغيير روش‌ها و متدهاي تجميع وجوهات بي‌ترديد بخشي از سامانه مذكور را دچار ‌آسيب مي‌نمايد و كار را بدان‌جا خواهد كشاند كه مشابه «پروتستانيزمِ» نافي «كاتوليسيسم»، نقش روحانيت در ارتقاء معنوي جامعه به بهانه «نفي واسطه‌گري ميان بنده و خدا» ناديده انگاشته شده و خداي ناكرده بر اسلام عزيز آن خواهد رفت كه بر امم و اقوام گذشته رفته است.

مهم‌ترين آسيب پيش‌روي ما در گذر از روش‌هاي سنتي تأديه وجوهات به روش‌هاي مدرن، ناديده‌انگاشتن سازوكارهاي مرسوم در اين امر و كارآمدي‌هاي خاصّ آن‌هاست. از اين رو، بايد در اين تغييرات، تعصّبي معقول بر پاره‌اي از سنّت‌هاي نظام مرجعيّت شكل بگيرد، تعصّبي كه مانع خراب شدن اين ابزار اجتماعي قدرتمند شود.

مناسب‌ترين كاربرد فن‌آوري

اساساً مناسبت‌ترين كارآمدي و سودمندي فن‌آوري چيست؟! مدرن شدن امروز به معناي انتفاع از ابزارهايي است كه تكنولوژي‌هاي مدرن و فن‌آوري‌هاي پيشرفته عصر حاضر فراهم آورده است. اين فن‌آوري‌ها چه خدمتي به بشر مي‌كنند كه استفاده از آن‏ها و به‌كارگيري‌شان را توجيه‌پذير مي‌نمايد؟!

فن‌آوري در حقيقت شگردهاي به‏كارگيري ابزارها در حل مسائل و مشكلات زندگي بشر است. اما در جوامع مدرن، همراه با صنعتي شدن، در سده‌هاي اخير، فن‌آوري عموماً منطبق بر فرآيندهاي نوين صنعتي موجود و پيشين مي‌شود كه مبتني بر اصول علمي و اكتشافات جديد، درصدد افزايش بهره‌وري در توليد كالا يا خدمات است.

بنابراين هر جا كه سخن از فن‌آوري به ميان مي‌آيد، غرض تدارك كردن ابزارها به شيوه‌اي است كه بتواند روندهاي سنتي و موجود را به نحوي مكانيزه و مدرن و مبتني بر اكتشافات و اختراعات جديد نمايد كه راندمان آن فرآيند بيشتر شود و نتيجه بهتر و برتري عايد نمايد.

اين نتيجه برتر گاهي افزايش سرعت است، گاهي افزايش دقت، گاهي افزايش تأثير، گاهي افزايش امنيت، گاهي افزايش كيفيت و گاهي نيز افزايش وسعت عملياتي و گستره پوشش و فراگيري. در هر صورت فن‌آوري‌هاي مورد استفاده در يك فرآيند كاملاً تابع نتيجه‌اي است كه مطلوب مي‌باشد.

از اين رو، در به‏كارگيري فن‌آوري كاملاً بايد به غايت نظر نمود. اگر ارتقاء و تكامل نتيجه به افزايش سرعت باشد، فن‌آوري‌ها بايد براي سرعت به كار گرفته شوند، اما اگر تكامل نتيجه و حصول مطلوبِ غايت محتاج افزايش تأثيرگذاري در مخاطب يا افزايش گستره عمل تلقّي گردد، قطعاً فن‌آوري‌هاي افزايش سرعت به كار نمي‌آيند و بايد در جستجوي استفاده از فن‌آوري‌هاي متناسب با آن بود.

استفاده از فن‌آوري، با توجه به تعريف آن، كاملاً وابسته به روند موضوع است، پروسه‌اي كه فن‌آوري قرار است بر آن سوار شود، تا آن حركت بر بستر فن‌آوري مذكور توانمندي مضاعفي در تحصيل غايت به دست آورد.

در موضوع مورد نظر، تحصيل و تأديه وجوهات شرعي، قطعاً همه عناصر ذكر شده حضور دارند؛ سرعت، دقت، تأثير، امنيت، كيفيت، گستره عملياتي و فراگيري، اما مهم‌ترين نقش را «تأثيرگذاري» واسطه‌ها دارد كه نبايد مغفول بماند و فداي سرعت و امنيت گردد.

شبكه پيشرفته ارتباطي: مقلّد، واسطه، نماينده، مرجع

## اصول راهبردي

پيش از آن‏كه به يك ايده كامل جهت ساماندهي گردش كار وجوهات شرعي بر مبناي فن‌آوري‌هاي نوين دست يابيم، ابتدا بايد بر اساس مقدمات ذكر شده اصولي را قوام كار خود نماييم كه چون علائم راهنمايي مانع انحراف ما از مسيري گردند كه درصدد طي كردن آن مي باشيم. اين اصول را پايه‌هاي طراحي ايده قرار مي‏دهيم.

* **اصل اول:** نقش واسطه‌ها در دريافت و انتقال وجوهات بايستي پررنگ‌تر شود.
* **اصل دوم:** فن‌آوري مورد نظر بايد اقبال عمومي براي پرداخت وجوهات را افزايش دهد.
* **اصل سوّم:** پرداخت وجوهات ساده‌تر و سريع‌تر شود.
* **اصل چهارم:** حفظ آبروي افراد و مراعات مكرمت‌هاي اخلاقي مطمح نظر قرار گيرد.
* **اصل پنجم:** دامنه و گستره جغرافيايي پرداخت‌كنندگان وجوهات توسعه يابد.

ايده‌اي كه براي طراحي سامانه مديريت وجوهات بر بستر فن‌آوري اطلاعات خلق مي‌شود، بايد اصول فوق را محور خود قرار دهد و تمامي سازوكارها را جهت حركت به سوي تعيين‌شده هماهنگ نمايد.

## ايده‌هاي محوري

هنگامي كه به اصول ذكر شده نظر مي‌افكنيم و در تلاش براي طراحي يك سامانه هستيم، عناصري به ذهن مي‌آيند كه به صورت تفكيكي و جدا از هم در رديف‌هاي ذيل قابل ذكر و توجه هستند:

1. روشي را پيدا كنيم كه بتوانيم واسطه‌ها را به سرعت به مقلّدين برسانيم، به وجهي كه تا مقلّد اراده پرداخت مالي ديون شرعي نمود، به سرعت بتواند دسترسي به نزديك‌ترين واسطه يا نماينده شرعي يا دفتر مرجع داشته باشد.
2. براي حفظ شئون اخلاقي، نبايد واسطه را به سوي مقلّد بفرستيم، تا درخواست ديون شرعي نمايد. بايد سازوكار به نحوي باشد كه مقلّد طيّ طريق نمايد، ولو اندك، تا به واسطه دست يابد. اگر واسطه به سراغ مقلّد رود، هم احترام خودش را شكسته و هم مقلّد را در مضيقه و فشار پرداخت قرار داده. بدهي شرعي بايد كاملاً از روي ميل و اراده مقلّد پرداخت شود.
3. اگر مقلّد بداند وجهي كه به عنوان دين شرعي پرداخت مي‌شود براي چه موضوعي مصرف مي‌گردد، اقبال بيشتري براي پرداخت ديون خود دارد.
4. دليل اين‏كه «وقف» جذابيت بيشتري در نزد مردم دارد، عيني بودن آن است. اين‏كه مي‌توانند هر شب به مسجد محل بروند و مثلاً قالي‌اي را كه وقف نموده‌اند مشاهده كنند. حتي اگر بحث تفاخر نباشد و به كسي تنبّه ندهند، به زبان هم اگر نياورند، همين‌كه در نظرِ خودِ واقف مي‌آيد و استفاده آن را مشاهده مي‌كند، انگيزه پيدا مي‌كند براي وقف‌هاي بعدي.
5. اگر بشود تمامي يا بيشتر مصارفي كه از وجوهات شرعي در دفتر مرجع تقليد مي‌شود را ارائه نمود، مثلاً در قالب يك فهرست از پروژه‌هاي مسجدسازي، بيمارستان‌سازي، مدرسه‌سازي و… با ذكر رقم و مبلغ دقيق پروژه و ميزان پيشرفت كار، قطعاً تأثير بيشتري در اقبال مقلّد براي پرداخت وجوهات خواهد داشت.
6. اگر امكاني فراهم شود كه مقلّد دقيقاً بفهمد كه وجه او در چه امري مورد استفاده قرار گرفته است، بالاتر از آن، اگر بتواند مصرف وجه را نيز پيشنهاد نمايد، تأثير فراواني در اقبال او خواهد نهاد. اگر چه مقلّد در مسأله وجوهات شرعيه، در اكثر موارد، اجازه و حقي ندارد تا مورد مصرف معيّن نمايد، ولي به عنوان پيشنهاد، مثلاً بتواند يكي از پروژه‌هاي در حال ساخت را برگزيند و وجه خود را در آن ثبت نمايد، يا مثلاً اعلام نمايد علاقه دارد تا اين وجه به مصرف طلاب علوم ديني برسد.
7. مي‌شود معلوم كرد كه وجه هر مقلّد پس از پرداخت به چه مصرفي رسيده است. اگر چه اين مطلب از نظر فيزيكي و عيني ممكن نيست، زيرا بيشتر مبالغ در يك خزانه اصلي ريخته شده، مانند يك حوضچه و سپس از آن برداشت مي‌گردد و يقيناً سهم هر مقلّد در تمام پروژه‌ها به صورت مشاع است. اما مي‏توان برنامه‌اي طراحي كرد كه به صورت اتفاقي بر اساس مبلغ پروژه‌ها، هر وجه پرداختي را به يك پروژه تخصيص بزند. بدين ترتيب وقتي مقلّد وارد سامانه مي‌شود، پس از اين‏كه براي او توضيح مي‌دهد كه شما به صورت مشاع در تمامي فعاليت‌ها سهيم مي‌باشيد، ولي به صورت مشخص مي‌گويد كه مثلاً 3 درصد از پروژه ساخت مسجد فلان با استفاده از وجه پرداختي شما به انجام رسيد!
8. استفاده از روش‌هاي ارسال پيامك، ايميل و همچنين قبوض پرداخت به صورت پستي براي مقلّد نقش مؤثري در افزايش رضايتمندي او دارد.
9. شماره تلفن مستقيم و ساده‌اي براي تمام كشور وجود داشته باشد كه مقلّد با يك تماس بتواند هر مطلبي را كه در نظر دارد براي پرداخت وجوهات مورد مشاوره قرار دهد، مثلاً مبلغ كفاره يا فطريه را بپرسد، يا براي محاسبه خمس و زكات مشورت بگيرد. همين تلفن هم بتواند او را به نزديك‌ترين واسطه راهنمايي نمايد.
10. اگر قرار است وجهي به واسطه پرداخت گردد كه احتياجات مالي او را مرتفع نمايد، دستي به او داده نشود، تا شأن و موقعيت و آبروي او را تحت‌الشعاع قرار ندهد و بعضي افرادي كه شاهد ماجرا هستند نپندارند: «طلبه وجوهات را منتقل مي‌نمايد تا پورسانت بگيرد!» براي اين‏كه اين توهّم ايجاد نشود، توهّمي كه گاهي سبب مي‌شود بعضي از طلاب نسبت به دريافت وجوهات حساس شده و از آن بگريزند، بهتر است پس از انتقال وجه به دفتر مرجع، به صورت خودكار مبلغي به عنوان كمك‌هزينه زندگي به حساب بانكي طلبه واريز گردد.
11. براي گسترش جغرافيايي مقلّدين خوب است مبلغ كمك‌هزينه را براي اماكني كه كمتر طلبه‌ها رغبت حضور در آن مناطق را دارند، به جهت صعب‌العبور بودن، يا فرهنگ مذهبي پايين، يا امكانات كم زندگي، افزايش دهيم. انگيزه‌ها بدين‌‌ترتيب براي حضور در مناطق كم‌رهرو بيشتر مي‌شود و خدمات تبليغي در آن مناطق نيز افزايش مي‌يابد.
12. براي گسترش جغرافيايي مي‌توان سفرهاي غيرتبليغي مبلّغ را نيز پوشش داد. به اين نحو كه اگر مثلاً طلبه براي ديدار خويش و قوم به سفري مي‌رود و بنا دارد چند روز در آن منطقه بماند، يك پيامك ارسال نمايد يا تماسي تلفني با اپراتور، بگويد: «در فلان نشاني هستم تا سه روز مثلاً». اين وارد سامانه شود و در اين سه روز اگر كسي از آن منطقه تماس گرفت براي پرداخت وجوهات، نشاني محل اقامت طلبه به او داده شود. به اين ترتيب نفس حضور طلبه در هر منطقه‌اي مي‌تواند مايه استفاده جامعه از او شود و منحصر در سفرهاي تبليغي رسمي نگردد.
13. طلبه‌ها امروز هم داراي رتبه‌هايي هستند، از اين منظر كه بعضي داراي اجازاتي مي‌باشند براي مصرف سهم امام(عج) مثلاً در موضوعي خاصّ يا عامّ. انواع اجازات وجود دارد كه اگر اين اجازات در سامانه ثبت شود، مقلّد مي‌فهمد اگر وجه خود را به فلان واسطه برساند، خرج در مسجد محل خودشان مي‌شود، يا به فقراي سادات شهر خودشان مي‌رسد. اين امر در افزايش اقبال عمومي تأثير فراوان دارد، وقتي مردم شهر تأثير مستقيم وجوهات در محيط زندگي خود را مشاهده نمايند.
14. بعضي طلبه‌ها هم رتبه پايين‌تري دارند و توان محاسباتي براي خمس و زكات در آن‏ها قابل اعتماد نيست. اگر سامانه تشخيص داد طلبه حاضر در محل در چنين رتبه‌اي است، مقلّد را راهنمايي اوليه مي‌نمايد، تا مثلاً مبلغ دقيق خمس تعيين شود تلفني، بعد نشاني طلبه را به مقلّد مي‌دهد و يك پيامك نيز براي طلبه ارسال مي‌كند كه: «فلان مبلغ توسط فلاني به شما تحويل خواهد شد كه به دفتر بياوريد». بدين‌ترتيب مقلّد هم مي‌داند محاسبه اصلي در مركز انجام شده و طلبه تنها منتقل‌كننده وجه است و تأثيري در تعيين مبلغ ندارد. خصوصاً اگر طلبه بسيار جواني باشد و محاسن و ظاهر حال او نتواند جلب اعتماد مقلّدين را بنمايد.
15. با توجه به اين‏كه براي اين كار نياز به اطلاعات مبلغين داريم، بايد سازوكاري فراهم شود كه خود طلاب بيايند و در سامانه ثبت نام كنند. در يك مرحله ارزيابي شركت جسته و پس از تأييد صلاحيت از خدمات ارتباط با مقلّد به صورت خودكار بهره‌مند گردند.

## اجمال ايده پيشنهادي

در ضمن آن‏چه بيان شد، تقريباً اكنون روشن شده است كه با چه فضايي روبه‌برو هستيم و چه سامانه‌اي را مي‌خواهيم پيشنهاد كرده و طراحي نماييم. اما در انتهاي اين نوشتار، يك‌بار ديگر به صورت كاملاً خلاصه طرح ايده را بيان مي‌كنيم تا به صورتي منسجم در نظر ثبت گردد.

### راه‌اندازي اوليه سامانه

يك سامانه نرم‏افزاري تهيه مي‌گردد و تعدادي طلبه آموزش‌ديده به عنوان اپراتور آن جذب مي‌شوند. يك شماره تلفن اعلام عمومي مي‏شود براي سامانه وجوهات دفتر، يا مثلاً براي تمامي خدمات دفتر مرجع. طلبه‌ها نيز نام‌نويسي كرده و تأييد اعتبار شده‌اند.

### جانمايي واسطه

طلبه براي تبليغ رفته است، شايد هم براي سفر غيرتبليغي، اصلاً رفته است خانه پدر و مادر كه بماند دو هفته‌اي. يك پيامك ارسال مي‌نمايد به اپراتور: «ايلام، خ فلان، ك بهمان، پ چند. دو هفته». اپراتور فوري اين نشاني را در سامانه ثبت مي‌كند و زمان را دو هفته مي‌زند. از روي شماره موبايل هم سامانه تعيين مي‌كند اين واسطه كيست و چه رتبه‌اي دارد.

### تماس از سوي مقلّد

مقلّد تلفن را بر مي‌دارد و تماس مي‌گيرد. اپراتور دقيقاً به حرف‌هاي او گوش مي‌كند و راهنمايي مي‌نمايد. در نهايت وقتي كه قرار شد مبلغ دين شرعي را بپردازد...

### واسطه‌يابي و معرفي

اپراتور نشاني مقلّد را مي‌پرسد و در نقشه جانمايي مي‌نمايد، بلافاصله نقاطي رنگي روي نقشه نمايان مي‌شود و نزديك‌ترين واسطه‌اي كه مي‌تواند آن كارويژه را به انجام برساند معرفي مي‌كند. اپراتور نشاني را به مقلّد مي‌دهد. ممكن است كار با واسطه حل نشود و نياز به دفتر باشد، نشاني تمامي دفاتر با رنگي متمايز در نقشه ديده مي‏شود.

### اطلاع به واسطه

سامانه به صورت خودكار پيامكي را براي واسطه ارسال مي‌نمايد كه فلان شخص تا فلان زمان به شما مراجعه خواهد كرد و فلان مبلغ را به عنوان فلان دين شرعي به شما پرداخت خواهد نمود.

### انتقال به دفتر

پس از آن‏كه طلبه از سفر بازگشت، وجه را به دفتر منتقل مي‌سازد، در سامانه ثبت مي‌گردد و مي‌رود. هيچ مبلغي به صورت حضوري به واسطه داده نمي‏شود.

### اطلاع به مقلّد

همان لحظه يك پيامك براي مقلّد ارسال مي‌شود و به او اطلاع مي‌دهد كه فلان مقدار وجهي كه پرداخت كرده‌ايد در فلان تاريخ به فلان واسطه، همين الآن وصول شد و به دفتر مرجع رسيد. سپس پرينت قبض هم به صورت پستي به نشاني مقلّد ارسال مي‏گردد.

### پرداخت كمك‌هزينه

به صورت خودكار توسط سامانه مبلغي به حساب بانكي واسطه ريخته مي‌شود، تا به عنوان يكي از مصارف وجوهات شرعي پرداخت شده باشد. مانند: زكات كه يكي از مصارف آن در حق عوامل جمع‌آوري‌كننده زكوات است.

### بيلان و تراز مالي

سامانه مي‌تواند انواع گزارشات نهايي را به دفتر مرجع ارائه نمايد كه معيّن مي‌كند چه مقدار وجه از چه طرقي تحصيل شده و چه مقدار از آن و از چه طرقي در همين مسير تحصيل مصرف گشته است. چه تعداد طلبه به عنوان واسطه همكاري داشته‌اند و نقش هر طلبه به صورت عددي چند ريال بوده است. هر منطقه جغرافيايي چند تماس موفق و غيرموفق داشته و چه مبلغي را پرداخت نموده است.

در نهايت از همين گزارشات مي‌توان براي بهينه‌سازي سامانه در آينده نزديك استفاده نمود و با چنين اطلاعاتي ديد وسيع‌تري نسبت به وضعيت جامعه شيعه پيدا كرد.

آن‏چه ذكر شد اجمالي از ايده پيشنهادي بود. قطعاً تهيه طرح تفصيلي و تبيين تمامي ريزه‌كاري‌هاي فني طرح محتاج مطالعات و تفكرات بيشتر و رايزني‌ها و مشورت‌هاي مفصل‌تر است كه لازم است پس از تصويب طرح اوليه،‌ براي آن موارد هزينه شده و طرح تفصيلي نگارش يابد.

آينده به سرعت حال مي‌شود، به همان سرعتي كه حال گذشت. مهار كردن زمان و مصرف آن در توسعه ايمان، سرعت در چيرگي بر امكانات و ابزارهاي هر عصر مي‌خواهد و اين مهم جز با ايمان و توكل به خداي متعال و همّت و تلاش در جهت تبديل اين ايمان و اعتقاد به عمل صالح به چنگ نيايد.

اميد كه تلاش براي تهيه اين مختصر، با همه ضعف‌ها و نواقصش، ذخيره آخرت براي نگارنده اين سطور محسوب گردد و مانع و سپري براي آتش جهنم، آمين. 🏱

سيدمهدي موسوي موشَّح

قم المقدسه ـ 23 ذي‌القعده سنه 1434